

راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در رویارویی با مقاومت اسلامی مورد مطالعه: بحران سوریه

محمد رجیبی^۱

چکیده

تحولات سوریه، همواره برای رژیم صهیونیستی از اهمیت برخوردار بوده است. بر همین اساس، از زمان شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون، رژیم صهیونیستی راهبردهای نظامی و امنیتی گوناگونی را قبال این کشور اتخاذ نموده است. از این رو، مقاله حاضر درصدد است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه کدامند؟» (مسئله)؛ برای پاسخ به این سؤال، ضمن گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای، از روش کیفی (توصیفی-تحلیلی) استفاده شده است (روش)؛ نتیجه آنکه رژیم صهیونیستی پس از عدم اتخاذ راهبردی واحد در آغاز بحران سوریه، از سال ۲۰۱۳ سعی نمود تا علاوه بر ترور فرماندهان مقاومت و بمباران هوایی مواضع ایشان، از گروه‌های همسو با خود حمایت نموده و از طریق اقناع آمریکا برای حضور جدی‌تر در سوریه و مذاکره با روسیه، مانع از حضور طولانی مدت ایران در سوریه شود. این در حالی است که از سال ۲۰۱۵، راهبرد گیدئون در دستور مقامات این رژیم قرار می‌گیرد که بر آمادگی نیروهای ارتش برای حضور در جنگ‌های نامتقارن، افزایش اشرافیت اطلاعاتی و... استوار است. در نهایت، راهبرد مومنتوم را دنبال نمود که ج.ا.ایران را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید پیش‌روی صهیونیست‌ها در سوریه شناسایی می‌نماید. در این راهبرد، ضمن تأکید بر بهبود توان واحد اطلاعات نظامی و تجهیز نیروهای نظامی با تسلیحات بهتر، بر تغییر در ساختار ارتش و تشکیل «فرماندهی امور ایران» تأکید می‌شود (یافته‌ها).

واژگان کلیدی: رژیم صهیونیستی، جهان اسلام، سوریه، راهبرد امنیتی، راهبرد نظامی.

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه امنیتی و اجتماعی، پژوهشکده امنیتی، انتظامی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

مقدمه

جمهوری عربی سوریه از نظر جغرافیایی در منطقه غرب آسیا قرار دارد که از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه، از جنوب غرب با فلسطین اشغالی، و از جنوب با اردن هم‌مرز است. مسلمانان (اعم از سنی‌ها، علوی‌ها، شیعیان دوازده‌امامی و اسماعیلی‌ها) اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و از نظر قومیتی نیز، اعراب در صدر لیست اقوام این کشور قرار دارند. این کشور از زمان اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط صهیونیست‌ها، به دلایلی گوناگونی در کانون توجه رژیم صهیونیستی قرار داشته است:

اول، کشور سوریه از زمان اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط صهیونیست‌ها میزبان بخش عمده‌ای از جمعیت آوارگان فلسطینی است که عمده ایشان نیز در دمشق و اردوگاه یرموک تمرکز یافته‌اند.

دوم، بلندی‌های جولان که به دلایلی نظیر الف) طمع تاریخی صهیونیست‌ها و ریشه‌های مذهبی ایشان؛ ب) نزدیکی به دمشق؛ ج) منابع آبی؛ و د) نظایر آن همواره در کانون توجه رژیم صهیونیستی قرار داشته است، بخشی از استان «قُنیطره» سوریه می‌باشد که در ناحیه جنوبی این کشور قرار دارد. البته در جنگ ۱۹۶۷ میلادی، مساحتی معادل ۱۲۵۰ کیلومتر مربع از مساحت ۱۷۵۰ کیلومتر مربعی آن به اشغال صهیونیست‌ها درآمد. شایان‌ذکر است که بلندی‌های جولان دارای ۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با فلسطین اشغالی است (علیخانی، ۱۳۷۹: ۲) و در فاصله ۳۵ کیلومتری از دمشق - پایتخت سوریه - قرار دارد (برزگر، ۱۳۷۹: ۵۱) و در حال حاضر، یک‌سوم آب مورد نیاز رژیم صهیونیستی از این منطقه تأمین می‌شود (Cordesman, 2008: 221).

سوم، سوریه در چارچوب کشورهای محور مقاومتی قرار می‌گیرد که از این کشورها در زبان و ادبیات صهیونیست‌ها با عنوان «هلال استراتژیک»^۱ یاد می‌شود. «مایکل اورن»^۲ - سفیر سابق رژیم صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۳-۲۰۰۹) - در همین رابطه می‌نویسد: «بزرگ‌ترین خطر برای اسرائیل هلال استراتژیکی است که از تهران تا دمشق و بیروت گسترش می‌یابد و ما مشاهده کردیم که رژیم اسد، سنگ بنای این هلال است» (Williams, 17 Sep- 2013).

1. Strategic arc.
2. Michael Oren.

چهارم، مهار نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی ایران است. سوریه نخستین کشور عرب بود که پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی، جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت و در جریان جنگ ایران و عراق جانب تهران را گرفت (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲). از این رو، طبیعی بود که ج.ا.ایران نیز پس از آغاز بحران در این کشور با فعالیت‌های مستشاری به کمک آن شتابد. بر این اساس، اولویت اول رژیم صهیونیستی، محدود ساختن توانایی و فعالیت آزادانه ج.ا.ایران در سوریه به عنوان مهم‌ترین تهدید وجودی صهیونیست‌ها است؛ به اعتقاد مقامات این رژیم، حضور ایران در خاک کشور سوریه به دو گونه می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را تهدید نماید: اول، از طریق تأمین سلاح‌های پیشرفته و مواد مورد نیاز حزب الله به دلیل آزادی مانوری که ج.ا.ایران در سوریه دارد؛ و دوم، از طریق گسترش حضور نظامی، تشکیل پایگاه‌های عملیاتی، ایجاد نیروهای نظامی جدید و در نهایت، تهدید منافع رژیم صهیونیستی در جولان (Pollack, 8 October 2015).

بدین ترتیب، رژیم صهیونیستی اهداف و مقاصد گوناگونی را در سوریه جستجو نموده و براساس آن، راهبردهای نظامی و امنیتی خود را استوار نموده است. بر این اساس، مقاله حاضر سعی دارد تا با طرح این پرسش که «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در سوریه پس از شروع بحران آن در سال ۲۰۱۱ میلادی کدام‌اند؟» پاسخ دهد. این مقاله، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و ضمن مروری کوتاه بر مناسبات سوریه و رژیم صهیونیستی پیش از بحران ۲۰۱۱ میلادی، بر راهبردهای نظامی و امنیتی صهیونیست‌ها بعد از بحران فوق‌الذکر تمرکز یافته است. شایان ذکر است که جست‌وجوی نگارندگان برای یافتن مقالاتی که عنوان خود را به بررسی راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در سوریه اختصاص داده باشند، حکایت از آن دارد که اگرچه مقالاتی، بخشی از محتوای خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند - که در متن مقاله پیش‌رو به برخی از مهم‌ترین نتایج این مقالات اشاره شده است - اما هیچ‌یک عنوان خود را به این موضوع اختصاص نداده و بازه زمانی آن‌ها نیز به‌روز نبوده است.

۱) تاریخچه مناسبات سوریه و رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۱۱ میلادی

از سال ۱۹۴۸ که رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطین اشغالی استقرار یافت، مناسبات پُر

فراز و فرودی - از جنگ تا مذاکرات برای صلح - میان این رژیم و کشور سوریه که تنها دو سال پیش تر - یعنی، در آوریل ۱۹۴۶ میلادی - استقلال خود را کسب کرده بود (زیسر، ۱۳۹۶: ۳)، به وجود آمد. در ادامه اشاره‌ای مختصر به این مناسبات تا سال ۲۰۱۱ میلادی - سال آغازین شروع بحران سوریه - خواهیم داشت.

۱-۱. جنگ‌های کلاسیک

سوریه از زمان اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها در خط مقدم مبارزه با این رژیم قرار داشت. بر این اساس، در ۱۴ می ۱۹۴۸ میلادی، یک روز پیش از خروج کمیسیون عالی انگلیس از منطقه، آژانس یهود استقرار دولت صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین اعلام نمود که بلافاصله توسط دولت آمریکا به رسمیت شناخته شد (Hankivsky & Jor- dan-Zachery, 2019: 553). به فاصله یک روز از این رخداد، واحدهایی از ارتش سوریه به همراه دیگر کشورهای عربی - مصر، لبنان و اردن - و گروه‌های زیادی از داوطلبان عرب برای نجات سرزمین فلسطین وارد نبرد با دشمن صهیونیستی شدند که فرجام آن، شکست این کشورها و اشغال ۷۸ درصد از سرزمین فلسطین بود.

در سال ۱۹۶۷ میلادی، جنگ دیگری آغاز شد و رژیم صهیونیستی با استفاده از ضعف و تشتت جهان عرب در یک هجوم گسترده به خاک کشورهای هم‌مرز با فلسطین اشغالی و از جمله سوریه یورش برد (علیخانی، ۱۳۷۹: ۵). این رژیم توانست طی مدت زمان شش روز علاوه بر اشغال کرانه باختری و نوار غزه، بخش‌هایی از خاک این کشورها را نیز به تصرف خود درآورد. بر این اساس، اراضی تحت اشغال این رژیم به بیش از سه برابر مساحت کل آن، قبل از این جنگ افزایش یافت و اکثریت قریب به اتفاق اعراب ساکن در اراضی فلسطین - که در دو جنگ ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ میلادی توسط صهیونیست اشغال شده بود - از خانه‌هایشان آواره شدند (Shoup, 2019: 57).

از تبعات این جنگ برای سوریه، اشغال ۱۲۵۰ کیلومتر مربع از مساحت ۱۷۵۰ کیلومتر مربعی بلندی‌های استراتژیک جولان و در اختیار گرفتن بالاترین نقطه آن - جبل الشیخ یا کوه حرمون در ارتفاع ۲۲۲۴ متری - توسط رژیم صهیونیستی (برزگر، ۱۳۷۹: ۵۱ و ۵۰) و اخراج ۱۲۰۰۰۰ نفر از مجموع ۱۵۳۰۰۰ نفر ساکن عرب این مناطق (معروف، ۱۳۷۴: ۶۵) بود. اشغال این سرزمین، برتری فاحش استراتژیکی را برای رژیم صهیونیستی به دنبال داشت (حمیدی و قاسمی،

۱۴۰۰: ۱۳۲). بدین ترتیب، دیگر مهم‌ترین دلیل مخاصمه میان سوریه و رژیم صهیونیستی مسئله فلسطین نبود بلکه بازپس‌گیری بلندی‌های جولان به مهم‌ترین اولویت سوریه در مواجهه با این رژیم تبدیل شد و مسئله سوریه با رژیم صهیونیستی از حالت راهبردی-یعنی، دفاع از فلسطین- به حالت تاکتیکی-یعنی، بازپس‌گیری جولان- تنزل پیدا کرد (مسعودی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۰).

کشورهای عربی به دنبال شکست‌های فوق‌الذکر، تصمیم به جبران گرفتند و در سال ۱۹۷۳ میلادی اقدام نظامی دیگری را علیه صهیونیست‌ها آغاز نمودند. در این جنگ نیز علی‌رغم موفقیت‌های روزهای اول، این کشورها موفق به آزادسازی همه سرزمین‌های اشغال‌شده خود نشدند. سوریه نیز تنها بخشی از بلندی‌های جولان را با امضای توافق‌نامه جداسازی نیروها در سال ۱۹۷۴ میلادی آزاد کرد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در پایان این جنگ، «انور سادات» -رئیس‌جمهور وقت مصر- با میانجیگری «جیمی کارتر» -رئیس‌جمهور وقت آمریکا (۸۱-۱۹۷۷ میلادی) به مذاکرات صلح پیوست که در نهایت، به امضای پیمان صلحی میان این کشور با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ میلادی منجر شد و بدین ترتیب، راهکار آزادسازی سرزمین‌های اشغالی از طریق جنگ کلاسیک توسط ارتش‌های عربی به پایان رسید (Sidlow & Henschen, 2018: 367).

۱-۲. مذاکرات صلح

با شروع مذاکرات صلح و جدا شدن مصر از هم‌پیمانی با سوریه به سبب قرارداد کمپ دیوید و اردن از این هم‌پیمانی به سبب قرارداد وادی عرب، سوریه خود را در خط مقدم جبهه تنها می‌دید (عباسی و سیفیایی، ۱۳۹۱: ۴۶). پیامد این امر عدول از مواضع سابق و پیوستن دمشق به اجلاس مادرید که با طرح «زمین در برابر صلح» برگزار می‌شد، بود. بدین ترتیب، نمایندگان سوریه و رژیم صهیونیستی به مذاکره مستقیم درباره صلح پرداختند؛ امری که تا قبل از آن سابقه نداشت (مسعودی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۱).

این اقدام، آغاز روندی ده ساله از تلاش‌های مختلف برای حل و فصل منازعات سوریه و رژیم صهیونیستی بود. در این دهه، نخست‌وزیرانی از رژیم صهیونیستی -«اسحاق رابین»، «شیمون پرز»، «بنیامین نتانیاو» و «ایهود باراک»- موافقت خود را برای ترک جولان در مقابل پذیرش یک

بسته کامل که امنیت طرفین را تأمین کند، نشان دادند. «حافظ اسد» نیز متقابلاً موافقت خود را با انعقاد پیمان صلح و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی اعلام کرد. اما در نهایت، توافق نهایی - علی‌رغم آنکه به واقعیت بسیار نزدیک می‌نمود- به نتیجه نرسید و مذاکرات مارس ۲۰۰۰ شکست خورد. مرگ حافظ اسد سه ماه پس از این مذاکرات، فصل جدیدی در تاریخ سوریه و مناسبات آن با رژیم صهیونیستی گشود. علاوه بر آن، روی کار آمدن «جرج بوش پسر» در آمریکا که علاقه چندانی به صلح سوریه-صهیونیستی نداشت و نخست‌وزیر شدن «آریل شارون» از حزب لیکود که بی‌توجه به سوریه بر مسئله فلسطین و فرونشاندن موج انتفاضه دوم تمرکز داشت، سبب شد تا مذاکرات صلح در این دوران با نتیجه خاصی همراه نباشد (رابینویچ، ۱۳۹۵: ۷۸-۷۵).

باروی کار آمدن «ایهود اولمرت» به‌عنوان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از شارون و به دنبال جنگ سی و سه‌روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان، امنیت ملی صهیونیست‌ها در معرض یک تهدید تمام‌عیار از سوی مثلث ایران، سوریه و حزب‌الله قرار گرفت؛ پس از پایان این جنگ، کمیسیون «وینوگراد»^۱ تشکیل می‌شود و به بررسی دلایل عدم موفقیت ارتش رژیم صهیونیستی که با وجود تمام جنگ‌افزارهای مدرن خود، قادر به تحمیل شکست نظامی به حزب‌الله لبنان نشد، می‌پردازد. این گزارش - به‌صورت تلویحی - مقصر را واحد اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی معرفی می‌کند که توانایی‌های لازم را در شناسایی و خنثی‌سازی تهدید قبل از اقدام عملیاتی نداشته است (Winograd Committee submits final report, 2008). در واقع، چون اطلاعات نظامی ارتش قادر به مشخص نمودن اهداف برای نیروی هوایی نبود، لذا نیروی هوایی به بمباران کور مناطق مسکونی می‌پرداخت که از یک‌سو، واکنش جامعه جهانی به این حملات را در پی داشت و از دیگر سو، منجر به متوقف شدن شلیک موشک‌ها از خاک لبنان به اراضی تحت اشغال صهیونیست‌ها نشد (Crevel, 30 January 2008). بدین ترتیب، ارتش رژیم صهیونیستی به این نتیجه می‌رسد که باید دسترسی‌های حزب‌الله لبنان را به سلاح و بعد، منابع مالی قطع کند؛ از همین رو، تصمیم می‌گیرد تا ضمن بالا بردن اشرافیت اطلاعاتی خود، راه ورودی این سلاح‌ها که عمدتاً از سوریه است را سد کند (Israel Ministry of Foreign Affairs, 2008).

1. Winograd.

رژیم صهیونیستی برای آغاز خلع سلاح محور تحت رهبری ایران و تضعیف نفوذ حزب الله، بهترین راه را تجدید مذاکرات با سوریه و توافق نهایی با این کشور از طریق میانجی‌گری ترکیه تشخیص داد (رابینویچ، ۱۳۹۵: ۷۹). این مذاکرات از ۲۰۰۸ میلادی آغاز و از ۱۹ می تا ۲۳ دسامبر همان سال شش دور از مذاکرات انجام شد. ولی پس از مدتی توقف، با آغاز حمله رژیم صهیونیستی به غزه، به صورت یک طرفه توسط دمشق قطع گردید (احمدیان و بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

۱-۳. در میانه جنگ و صلح

متعاقب شکست کشورهای عربی در جنگ‌های کلاسیک و شروع مذاکرات صلح، دولت سوریه هیچ عملیاتی علیه رژیم صهیونیستی در منطقه بلندی‌های جولان انجام نداد و جبهه‌ای آرام در سمت سوری خط آتش بس پدید آمد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). اما، این پایانی بر تحرکات طرفین نبود: از یک سو، سوریه با تعریف خود در چارچوب جبهه مقاومت کوشید به طور غیر مستقیم با استفاده از اهرم‌های قدرت خویش مانند حضور در لبنان، حمایت از مبارزان فلسطینی و اتحاد استراتژیک با ج.ا.ایران - به دلیل تهدیدات مشترک و همچنین، ایدئولوژی مشترک ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی هر دو کشور - (سیمبر و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۲۵) خاک کشورش را آزاد نماید؛ و از سوی دیگر، صهیونیست‌ها نیز از هیچ‌گونه تعرضی فروگذار نکرده‌اند. نقض مکرر حریم هوایی سوریه و حمله هوایی جنگنده‌های صهیونیستی به اهدافی در خاک این کشور همچون انهدام مجتمعی در دیرالزور سوریه به بهانه آنکه ساخت آن با همکاری کره شمالی برای مقاصد هسته‌ای نظامی است در سپتامبر سال ۲۰۰۷ میلادی (Lovelace, 2017: 214) یا بمباران تجهیزات، به بهانه آنکه این تجهیزات توسط ج.ا.ایران برای حزب الله لبنان ارسال شده و از طریق سوریه در حال عبور بوده است (Nagel & Schanzer, 2019: 290)، انجام عملیات تروریستی همچون ترور «عماد مغنیه» - از فرماندهان ارشد نظامی حزب الله لبنان و جبهه مقاومت - در فوریه سال ۲۰۰۸ میلادی (Entous & Osnos, 10 February 2020) یا ترور فرماندهان نظامی و دانشمندان ارشد سوری به دلیل اهمیت پیشرفت نظامی سوریه برای این رژیم (Follath & Stark, 02 November 2009)، و نظایر آن نمونه‌هایی از این اقدامات می‌باشند.

با روی کار آمدن مجدد نتانیاهو در سال ۲۰۰۹، نگرش رژیم صهیونیستی در قبال کشور

سوریه دچار چندگانگی گشته و کادر رهبری این رژیم موضعی واحد و نظام‌مند در قبال سوریه تبعیت نمود. بدین معنا، صهیونیست‌ها از یک‌سو به دنبال حذف بشار اسد از قدرت -فارغ از بررسی این مهم که آیا اساساً توان چنین اقدامی را داشتند یا خیر؟- نبودند؛ چراکه، اولاً اسد را متمایل به حفظ خط آتش بس می‌دانستند و ثانیاً، نگران آلترناتیو بالقوه رژیم بعث -یعنی، اخوان المسلمین تنها گروه اپوزیسیون سازمان‌یافته و شناخته‌شده- بودند؛ و از سوی دیگر، برآوردهای متأخر آن‌ها مبنی بر میزان و شدت خسارتی که خروج اسد از قدرت به ایران می‌زند، آنان را به این سمت سوق می‌داد که رفتن اسد را بر ماندن وی ترجیح دهند (رابینویچ، ۱۳۹۵: ۷۷-۸۱). در همین رابطه، «مایکل اورن» -سفیر سابق رژیم صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۳-۲۰۰۹)- ضمن پذیرش این مُدعا که مقامات رژیم صهیونیستی حتی پیش از شروع بحران سوریه نیز خواهان سقوط و برکناری اسد از قدرت بودند، اظهار می‌دارد که «ما همیشه افراد بد غیر وابسته به ایران را به افراد بد وابسته به ایران ترجیح داده‌ایم» (Williams, 17, September 2013).

۲) رژیم صهیونیستی و شروع بحران سوریه

بیداری اسلامی، نقطه عطف نظم نوین جهانی و تغییر در معادلات بین‌المللی است (امانلو، ۱۳۹۴: ۹) که موج جدیدی را در جهان اسلام به وجود آورد که از پیامدهای آن سقوط بسیاری از دیکتاتورهای قدیمی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بود. ولیکن، این انقلاب‌ها به دلایل مختلفی همچون نداشتن رهبری، دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نظایر آن، از مسیر اصلی خود منحرف گشته و به بار نشست. در این میان، کشور سوریه نیز که از مشکلات مختلفی برخوردار بود، در سال ۲۰۱۱ میلادی دستخوش تحولاتی شد. اما پس از مدت کوتاهی مشخص شد که این تحولات، بیداری اسلامی نیست بلکه دسیسه‌ای می‌باشد که با کمک کشورهای مخالف محور مقاومت در سوریه جریان یافته است (Eran, 2011).

ارتش رژیم صهیونیستی، اولین سازمان صهیونیستی در اراضی اشغالی بود که در مورد تحولات سوریه اظهار نظر کرد. آن‌ها بر این عقیده بودند که کشورهای بی‌دولت در آن‌ها انقلاب رخ داده است از لحاظ اجتماعی و سیاسی توانایی برقراری دموکراسی غربی را نداشته و ممکن است این کشورها تبدیل به حکومت‌های اسلامی شوند که این، اصلاً برای این رژیم خوب نخواهد بود.

این موضوع برای صهیونیست‌ها بسیار با اهمیت بود که کشورهای اطراف آن‌ها در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به حکومتی شبیه حکومت ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی تبدیل نشوند (Ghosh, 2011). بر این اساس، الف) اسلامی نبودن دولت ولو آنکه سنی نیز باشد؛ ب) نداشتن ادعا پیرامون بلندی‌های جولان؛ و ج) عدم حضور ایران در سوریه از جمله شرایطی بود که به اعتقاد ارتش رژیم صهیونیستی می‌توانست منافع این رژیم را در سوریه تأمین نماید (Zanotti, 09 March 2020). در حالی که، دولت رژیم صهیونیستی در آغاز این بحران سعی نمود تا در ظاهر، سیاست بی‌طرفانه‌ای را در پیش گرفته و خود را کنار معترضان سوری نشان دهند. از این رو، از دولت سوریه خواست تا استعفا داده تا در این کشور، انتخابات آزاد صورت پذیرد (Ghosh, 2011). بدین ترتیب و در این مقطع، صهیونیست‌ها دچار چندگانگی گشته و کادر رهبری این رژیم از راهبردی واحد و نظام‌مند در قبال سوریه تبعیت نمی‌نمود.

۳) تغییر رویکرد رژیم صهیونیستی به بحران سوریه از سال ۲۰۱۳ میلادی

از سال ۲۰۱۳ میلادی، رویکرد رژیم صهیونیستی به بحران سوریه به دلایل مختلفی تغییر می‌یابد. در ادامه، ضمن بیان هر یک از این دلایل، به واکاوی رویکرد نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال آن خواهیم پرداخت:

۱-۳) حضور جمهوری اسلامی ایران

مناسبات میان دمشق و تهران به دنبال استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ میلادی برقرار شد و پس از انقلاب اسلامی، استحکام بیشتری یافته و به پیمانی راهبردی میان دو کشور منجر شد (حکیم و غلامی، ۱۳۹۹: ۱۵). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران، اولین حامی دولت سوریه در بحران بود؛ بنابراین، طبیعی بود که دسترسی‌های این کشور - برخلاف انتظار مقامات رژیم صهیونیستی - افزایش پیدا کند. این موضوع به خواب آشفته‌ای برای سران این رژیم تبدیل شده بود. طبق برآورد صهیونیست‌ها:

۱. سوریه در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین پایگاه نظامی جمهوری اسلامی بود؛
۲. ایران به واسطه آزادی عمل بیشتری که در سوریه یافته بود، می‌توانست از این ویژگی برای تسهیل انتقال سلاح به حزب الله لبنان استفاده کند؛

۳. هم‌مرز شدن ایرانیان با اراضی فلسطین اشغالی، ایران را از تهدیدی دور به تهدیدی نزدیک برای رژیم صهیونیستی تبدیل می‌ساخت که دسترسی جمهوری اسلامی را به این رژیم افزایش می‌داد (Bassiri Tabriz & Pantucci, August 2016).

۲-۳. سلاح‌های شیمیایی

ذخایر مواد شیمیایی سوریه برای رژیم صهیونیستی از اهمیت بالایی برخوردار بود؛ چراکه، این سلاح‌ها برای سوریه در قبال این رژیم بازدارندگی نظامی به وجود آورده بود. از این رو، صهیونیست‌ها با کمک رسانه‌ها و لابی‌های خود در آمریکا سعی نمودند تا این سلاح‌ها را به‌عنوان تهدیدی جدی برجسته‌نمایند. این سیاست، سبب اتخاذ موضع جدی دولت آمریکا شد. این دولت عنوان کرد که سلاح‌های شیمیایی سوریه همانند برنامه اتمی ایران، خط قرمز آمریکا می‌باشد (Bergman & Others, 31 July 2012).

در سال ۲۰۱۳ میلادی، حملات شیمیایی نامشخصی به گروه‌های مخالف دولت صورت پذیرفت. این حملات تعدادی کشته بر جای گذاشت. گزارش بازرسان سازمان ملل نیز، اگرچه اطلاعات شفافی در اختیار جامعه جهانی قرار نمی‌داد ولیکن در آن عنوان شده بود که نوع سلاح شیمیایی به‌کاررفته همانند سلاح‌های شیمیایی ارتش سوریه است. بدین ترتیب، آمریکا فشار زیادی آورد که این حمله را گردن دولت سوریه بیندازد. لابی‌های و جامعه اطلاعاتی صهیونیستی نیز، نقش پررنگی را در تلاش برای گناهکار جلوه دادن ارتش سوریه ایفاء نمودند. درنهایت، با رایزنی‌های روسیه مقرر شد که با نظارت بازرسان بین‌المللی، مواد شیمیایی سوریه توسط ارتش روسیه از این کشور خارج شود. این موضوع باعث شد تا یکی از تهدیدات بالقوه و بازدارنده سوریه علیه رژیم صهیونیستی از میان برداشته شود (becker-jakob, June ۲۰۱۹).

۳-۳. بلندی‌های جولان

بلندی‌های جولان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی و سوریه برخوردار است. پس از آغاز بحران سوریه، رژیم صهیونیستی از این بلندی‌ها به‌عنوان خط قرمز خود یاد می‌کرد و حضور نظامی ج.ا.ایران در آن، به کابوس ارتش رژیم صهیونیستی مبدل شده بود. کابوسی که با رصد تحرکات نظامی نیروهای مقاومت ج.ا.ایران و

حزب الله لبنان روز به روز به واقعیت نزدیک تر می شد. چراکه به اعتقاد گروه‌های مقاومت، شرایط دولت مرکزی سوریه تثبیت شده نبود و ترس آن وجود داشت که رژیم صهیونیستی از این موقعیت استفاده کرده، از منطقه جولان به سوریه حمله نظامی کند و خسارت جبران‌ناپذیری به محور مقاومت وارد کند. از این رو، این گروه‌ها تصمیم به تشکیل خط دفاعی در آن مناطق گرفتند (De- kel & Others, 2016). حزب الله لبنان با کمک‌های شایانی که «سمیر قنطار» نمود، کوشید تا از طریق هدایت گروه‌هایی از دروزی‌های ساکن این مناطق که همچنان به دولت مرکزی سوریه وفادار بودند، فرماندهی نظامی و اطلاعاتی واحدی را در آن منطقه شکل دهد. قنطار در سال ۲۰۱۵ میلادی توسط ارتش رژیم صهیونیستی ترور و به شهادت رسید. اگرچه شهادت او، به گروه‌های مقاومت در آن منطقه ضربه وارد ساخت؛ اما، رژیم صهیونیستی حتی بعد از این ترور نیز نتوانست گروه‌های مخالف خود در جولان را با سیاست‌های خویش همراه کند.

سیاست نظامی رژیم صهیونیستی در این منطقه علاوه بر ترور فرماندهان مقاومت، بر الف) کمک‌های تسلیحاتی، پزشکی و مالی به گروه‌های نظامی همسو در منطقه قنطره؛ و ب) بمباران مواضع ایران و حزب الله؛ استوار بود تا شاید بدین طریق بتواند جلوی حضور محور مقاومت را در منطقه جولان بگیرد.

همچنین، صهیونیست‌ها تلاش‌های سیاسی گسترده‌ای را نیز دنبال کردند که در سال ۲۰۱۹ میلادی به ثمر نشست و آمریکا در مقام اولین کشور، بلندی‌های جولان را به عنوان خاک رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت. بر این اساس، این رژیم تلاش نمود تا دروزی‌های ساکن جولان را متقاعد کند تا شهروندی این رژیم را بپذیرند و آن‌ها را ترغیب به تشکیل دولت محلی نمود (Tsurkov, 14 February 2019).

۳-۴. حضور ارتش روسیه

ورود ارتش روسیه به بحران سوریه، معضل امنیتی جدیدی نیز به مشکلات قبلی رژیم صهیونیستی اضافه کرد. حضور ارتش روسیه باعث شد تا دستاوردهای جدیدی در عرصه نظامی برای سوریه حاصل شود که از آن جمله، همراه شدن پیش‌روی زمینی سوری‌ها با حمایت هوایی روسیه و بازپس‌گیری مناطقی بود که دولت سوریه طی سال‌های اول جنگ، آن‌ها را از دست داده بود. بر این اساس، رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را به میدان آورد تا با روسیه وارد مذاکره

شود. نتیجه این مذاکره، قراردادی بود که بر طبق آن مقرر شده بود تا پدافند هوایی روسیه - که توسط نیروهای روسی هدایت می‌شود - به هواپیماهای صهیونیست‌ها که وارد خاک سوریه می‌شوند، اختطار شلیک ندهند و از طرف دیگر نیز رژیم صهیونیستی، نیروهای نظامی روسیه را مورد هدف قرار ندهد (Kubovich, 25 September 2018).

صهیونیست‌ها همچنین تلاش نمودند تا از طریق روسیه، حضور نظامی ج.ا.ایران را در سوریه محدود کند؛ اما روسیه به دو دلیل، در این زمینه علاقه زیادی به همکاری با این رژیم نداشت؛ چراکه از یک‌سو، نیروهای ایرانی همپای نیروهای روسی و سوری در حال جنگ با ستیزه‌جویان در خاک سوریه بودند؛ و از سوی دیگر، این ج.ا.ایران بود که ورود روسیه را به غرب آسیا پس از مدت‌ها برای آن‌ها هموار ساخته بود.

رژیم صهیونیستی پس از توافق با روسیه بارها نیروهای ایرانی را در خاک سوریه مورد حمله هوایی قرارداد. در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی، رژیم صهیونیستی دوباره تلاش نمود تا از طریق روسیه، حضور طولانی مدت ج.ا.ایران را در سوریه محدود و از ارسال سلاح توسط این کشور به حزب الله لبنان ممانعت به عمل آورد. اما، دوباره با مخالفت روسیه مواجه شد. در همان زمان، رژیم صهیونیستی با آمریکا نیز وارد مذاکره شده بود تا ایران را در سوریه تحت فشار قرار دهد، اما نگاه دولتمردان آمریکا نیز در آن زمان بر دوری کردن از حضور نظامی جدی در بحران سوریه بود (Spyer, 28 September 2017).

۴) سال ۲۰۱۵ میلادی و معرفی راهبرد جدید: گیدئون^۱

ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۵ میلادی به دلیل تغییر در نوع تهدیداتی که با آن مواجه بود، در صدد اتخاذ راهبرد نظامی و امنیتی جدیدی برآمد که با تحولات آن زمان غرب آسیا تطابق بیشتری داشته باشد. این راهبرد که از آن با عنوان «گیدئون» یاد می‌شود، مهم‌ترین تغییرات مرتبط با بحران سوریه را که رژیم صهیونیستی با آن مواجهه است، بدین شرح بیان می‌کند: اولین تغییر مهم و استراتژیک، جایگزین شدن کشورهای متخاصم همسایه با گروه‌های زیرزمینی می‌باشد که تحت حمایت کشورهای ج.ا.ایران و سوریه هستند؛ و دیگر، افزایش توان نظامی و عملیاتی

1. Gideon.

گروه‌های مخالف رژیم صهیونیستی به‌ویژه در زمینه افزایش دقت موشک‌ها با کمک ایران است. ایران با توجه به پیشرفت خود در زمینه موشکی، این تکنولوژی پیشرفته را از طریق سوریه برای گروه‌های تحت حمایت خود ارسال می‌کند.

رژیم صهیونیستی برای کنترل این تهدیدات، تاکتیک‌های ذیل را در راهبرد گیدئون دنبال می‌نماید:

۱) آمادگی نیروهای رزمی رژیم صهیونیستی برای حضور در جنگ‌های نامتقارن: بدین معنا، ارتش رژیم صهیونیستی مأموریت می‌یابد تا علاوه بر آمادگی خود برای جنگ کلاسیک، نیروهای رزمی خود را برای جنگ‌های نامتقارن نیز آماده کند.

۲) استفاده از سیستم پدافند هوایی چندلایه و ترکیبی: رژیم صهیونیستی برای کاهش آسیب‌پذیری این رژیم در مقابله با حملات موشکی در صدد برمی‌آید تا سیستم پدافند هوایی خود را به‌صورت چندلایه و ترکیبی مورد استفاده قرار دهد.

۳) افزایش اشرافیت اطلاعاتی بر کشورهای و گروه‌های متخاصم: براساس راهبرد گیدئون مقرر می‌شود تا «واحد اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی» (آمان) اشرافیت هرچه بیشتری را بر کشورهای و گروه‌های متخاصم پیدا نماید تا صهیونیست‌ها بتوانند تهدیدات را قبل از ظهور آن‌ها خنثی سازد.

۴) تاکتیک «جنگ میان جنگ‌ها»: هدف از این تاکتیک که توسط ارتش رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود، خنثی‌سازی تهدیدهای در حال ظهور دشمن می‌باشد. بدین منظور، پس از شناسایی این تهدیدات توسط جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، اهداف مورد نظر به اشکال گوناگونی مورد حمله قرار می‌گیرند (Herzog, 2015). با توجه به اهمیت این تاکتیک، در ادامه توضیحاتی پیرامون آن ارائه خواهد شد.

۱-۴. تاکتیک «جنگ میان جنگ‌ها»

از سال ۲۰۱۶ میلادی و پس از شکل‌گیری ائتلاف میان ایران، روسیه و سوریه، مناطق مهمی از شمال سوریه آزاد شد. این پیشروی‌ها به این مناطق محدود نشد و در جنوب سوریه نیز، ادامه یافت. جنوب سوریه به دلیل داشتن مرز مشترک با فلسطین اشغالی از اهمیت ویژه‌ای برای صهیونیست‌ها برخوردار است. بر این اساس، رژیم صهیونیستی مطرح کرد که نیروهای ایرانی

باید در فاصله ۶۰ کیلومتری از مرزهای فلسطین اشغالی قرار گیرند. در غیر این صورت، با واکنش نظامی این رژیم مواجهه خواهند شد. برای نیل به این منظور، صهیونیست‌ها ریزنی‌های جدی را با آمریکا و روسیه انجام دادند. اما، آن‌گونه که از پایان مذاکرات آشکار شد، روسیه تمایلی به عقب‌نگه‌داشتن ج.ا.ایران از مرزهای فلسطین اشغالی نداشت و آمریکا نیز ترجیح می‌داد در مناطق نفت‌خیز شمال با ایران روبه‌رو شود تا در جنوب سوریه.

از همین رو، رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۷ میلادی کمک‌های جدی را به شورشیان در مناطق جنوب سوریه نمود تا آتش درگیری میان متحدین ایران و شورشیان شعله‌ور باشد تا از این طریق، یک حریم امنیتی برای این رژیم به وجود آید. براساس اظهارات یکی از شورشیان جنوب سوریه، رژیم صهیونیستی حداقل به ۱۲ گروه شورشی در قُنیطره، درعا و دمشق کمک می‌کند که این کمک‌ها شامل ارسال سلاح‌های سبک، وسیله نقلیه، پول و کمک‌های پزشکی می‌شود (Levy, 03 February 2019).

این کمک‌ها برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی کافی نبود. از همین رو، در سال ۲۰۱۸ میلادی این رژیم مذاکره‌ای با دولت سوریه آغاز نمود تا براساس آن، ایران از جولان ۸۵ کیلومتر فاصله بگیرد و در عوض، صهیونیست‌ها ارسال کمک به گروه‌های شورشی در جنوب را قطع کند تا دولت سوریه در بازپس‌گیری این مناطق راحت‌تر عمل کند. اما در میانه مذاکرات، نیروهای سوریه با کمک نیروهای ایرانی حملات شدیدی را به جنوب سوریه انجام دادند و شورشیان نیز که خود را تنها در معرکه نبرد سختی می‌دیدند، ترجیح دادند خود را تسلیم نیروهای سوری نمایند و با آن‌ها پیمان صلح امضا کنند (Clarke & Tabatabai, 08 January 2019).

با افزایش جابه‌جایی تجهیزات پیشرفته نظامی ایران - شامل: موشک‌های «زمین به هوا»، «زمین به دریا» و «زمین به زمین» - رژیم صهیونیستی بارها به بُمباران این محموله‌ها مبادرت ورزید. به‌گونه‌ای که یک مقام نظامی رژیم صهیونیستی در گفتگو با نشریه نیوزویک، تعداد این حملات را بیش از ۲۵۰ مورد بیان می‌کند (O'Connor, 28 February 2020). پس از این حملات و در سال ۲۰۱۸، کارشناسان رژیم صهیونیستی بر این عقیده بودند که ایران تغییر تاکتیک داده و دیگر به جابجایی این تجهیزات اقدام نمی‌نماید؛ بلکه، با کمک سوری‌ها قرار شده که کارخانه بعضی از این تجهیزات را به سوریه منتقل کند تا این تجهیزات در آنجا ساخته شود (Lappin, October 2018: 2-7). همچنین به اعتقاد صهیونیست‌ها، ایران ثابت کرده است که توانایی‌های

نظامی قابل توجهی داشته، بیش از پیش به سرزمین‌های اشغالی نزدیک و توانایی غلبه بر مسافت باقی مانده را با استفاده از موشک‌های خود دارد. موشک‌باران پایگاه نظامی «عین الاسد» در عراق به تقاص شهادت سپهبد قاسم سلیمانی - فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - نمونه‌ای از این توانمندی است (O'Connor, 28 February 2020).

۵) سال ۲۰۱۹ میلادی و راهبرد نظامی و امنیتی مومنتوم^۱

«آویو کوخاوی»^۲ - رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی - در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، راهبرد پنج ساله جدیدی را معرفی می‌نماید که از ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی به اجرا گذاشته شد. در این راهبرد که مومنتوم (عبری: «تنوفا»^۳، به معنای شتاب) نام دارد و به تصویب «نافتالی بنت»^۴ - وزیر جنگ رژیم صهیونیستی - رسیده است، مهم‌ترین هدفی که صهیونیست‌ها در سوریه دنبال می‌کنند، مهار قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران در این کشور از طریق اتخاذ تاکتیک‌هایی تهاجمی‌تر نسبت به راهبرد پیشین خود - یعنی، گیدئون - در قبال آن است.

به‌زعم صهیونیست‌ها، اگرچه تاکتیک «جنگ میان جنگ‌ها» توانسته است تا حدودی تحرکات نظامی ایران را در سوریه محدود کند، اما این خطر جدی را با خود به همراه دارد که ممکن است ج.ا.ایران پاسخ سختی به این حملات دهد. نزدیکی نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان وابسته آن به مرزهای فلسطین اشغالی، رژیم شرایط پیچیده‌ای را برای رژیم صهیونیستی رقم می‌زند. همچنین، خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی کشورهای اروپایی به تعهدات خویش، اعتماد ایران را نسبت به آن کشورها از بین برده و این موضوع، از نظر صهیونیست‌ها می‌توانست سرآغازی برای واکنش‌های جدی ج.ا.ایران به رژیم صهیونیستی در سوریه به شمار آید. علاوه بر این‌ها، ج.ا.ایران کیفیت و دقت سلاح‌های هم‌پیمانان خود را بیش از پیش افزایش داده و این موضوع، معادلات نظامی در منطقه را عوض کرده است. بر این اساس، رژیم صهیونیستی به تدوین راهبرد مومنتوم مبادرت می‌ورزد تا بتواند نقاط ضعف خود را در صورت وقوع جنگ

1. Momentum.
2. Aviv Kochavi.
3. Tnufa.
4. Naftali Bennett.

محدود و یا جنگِ تمام‌عیار افزایش دهد (Herzog, 2019: 5-16).

یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های این راهبرد، تجدیدنظر در تعریفِ مفهومِ «پیروزی»^۱ است. براساس گزارشی که «مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات»^۲ از این طرح منتشر نموده است، کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی بر این اعتقادند که ماهیت جنگ‌ها -از کلاسیک به نامتقارن- در منطقه غرب آسیا تغییر یافته است و چه‌بسا در صورت تصرف سرزمین، همچنان نیروهای رقیب قادر باشند از طریق تله‌های انفجاری، ساختمان‌های مسکونی و نظایر آن، ضرباتی را وارد سازند. بدین ترتیب، تعریفی که از پیروزی ارائه شده است به جای «تصرف سرزمین» بر «از بین بردن حداکثر قابلیت‌های دشمن در کمترین زمان و با کمترین هزینه و تلفات» تمرکز دارد و بر این اعتقاد است که هراندازه، نتیجه به این پارامترها نزدیک‌تر باشد، پیروزی قاطع‌تر خواهد بود. قابلیت‌های دشمن نیز شامل پُست‌های فرماندهی، سکوهای پرتاب موشک، انبارهای اسلحه و سطوح فرماندهی یا پرسنل نظامی است (Lappin, 22 March 2020: 1-2).

کلیدی‌ترین نکات این راهبرد در مواجهه با قدرت فزاینده ج.ا.ایران در سوریه به شرح ذیل است:

۱-۵. تغییر ساختار ارتش رژیم صهیونیستی و تأسیس واحد ایران

ارتش رژیم صهیونیستی در چارچوب راهبرد نظامی مومنتوم، اقدام به تشکیل ستاد فرماندهی ایران نمود. وظیفه این ستاد بررسی فعالیت‌ها و اقدامات ج.ا.ایران -به‌ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- علیه رژیم صهیونیستی است تا به مقابله و خنثی‌سازی آن‌ها مبادرت شود. این ستاد، همچنین مسئول تقویت ارتش رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران می‌باشد که شامل: استفاده از نیروی هوایی برای از بین بردن خطرات ج.ا.ایران در منطقه، افزایش اشرافیت نظامی در مواجهه با آن، و توسعه جمع‌آوری اطلاعات از ماهواره و فضای سایبری می‌باشد. کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی بر این عقیده‌اند که شکاف نظامی مهمی میان ایران و رژیم صهیونیستی وجود دارد که اگر این رژیم به‌سرعت اقدام نکند، موجودیت آن را در آینده‌ای نزدیک با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد کرد (Ahronheim, 13 February 2020).

۲-۵. بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی

1. Victory.
2. The Begin-Sadat Center for Strategic Studies.

واحد اطلاعات نظامی از اهمیت بالایی در ساختار ارتش رژیم صهیونیستی برخوردار است. زمانی که مصر در ابتدای جنگ شش روزه به صهیونیست‌ها حمله کرد، در روز نخست جنگ توانست خسارات شدیدی را به ارتش این رژیم وارد نماید. آسیب‌شناسی این جنگ توسط ارتش رژیم صهیونیستی روشن ساخت که مقصر اصلی این غافلگیری، جامعه اطلاعاتی و در رأس آن واحد اطلاعات نظامی ارتش است. ناکامی این رژیم در تحمیل شکست به حزب‌الله در جنگ سی و سه روزه لبنان و آسیب‌شناسی این ناکامی در کمیسیون وینوگراد نیز بار دیگر واحد اطلاعات نظامی این کشور را مقصر تشخیص داد که توانایی‌های لازم را برای شناسایی و خنثی‌سازی تهدید قبل از اقدام عملیاتی نداشته است. از همین رو، در رویکردها و راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی - به خصوص در راهبرد گیدئون و مومنتوم - تأکید ویژه‌ای بر بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی شده است. چراکه به اعتقاد مقامات رژیم صهیونیستی، اطلاعات نظامی ارتش همانند چشم بینای رژیم صهیونیستی در تشخیص تحرکات نظامی علیه آن می‌باشد و می‌تواند این رژیم را در برابر حملات احتمالی مراقبت نماید (Gross, 2019: 10). از همین روست که در راهبرد اخیر این رژیم، تغییرات زیادی در واحدهای اطلاعات نظامی ارتش ایجاد شده است تا توان اطلاعاتی خود را افزایش دهد. از جمله این تغییرات، رصد فعالیت‌های ایران - در سوریه و فراتر از آن - به صورت لحظه‌ای و منظم می‌باشد (Stuff, 7 March 2020).

۳-۵. افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات

از نگاه کارشناسان رژیم صهیونیستی، اگرچه که راهبرد نظامی فعلی این رژیم بر جنگ محدود با ایران استوار است، ولیکن آماده‌سازی ارتش برای جنگی تمام‌عیار نیز که تمرکز بیشتری بر سیستم‌های نوین خواهد داشت، نادیده گرفته نشده است (Lappin, 27 December 2019). از همین رو، ارتش - متناسب با جنگ‌های محدود و تمام‌عیار - برنامه توسعه و خرید تجهیزاتی به این شرح را در دستور کار خود قرار داده است: ۱- هواپیماهای بدون سرنشین؛ ۲- موشک‌های هدایت‌شونده؛ ۳- افزایش توان دفاع موشکی و هوایی؛ ۴- خرید بیشتر هواپیمای F۳۵؛ ۵- خرید هواپیماهای سوخت‌رسان؛ ۶- اضافه کردن نیروهای واکنش سریع به نیروی زمینی؛ ۷- استفاده از هوش مصنوعی و شبکه‌های دیجیتال برای هماهنگی بیشتر میان نیروها (Frantz, 18 February 2020).

۴-۵) تمرکز بر جنگ شهری

استفاده از تکنیک جنگ نامتقارن و تجهیزات مدرن به صورت هم‌زمان، از اهداف ارتش رژیم صهیونیستی می‌باشد. بدین منظور، نیروی زمینی ارتش برنامه آموزشی ویژه‌ای را برای تبدیل نیروهای خود به نیروهای خیره‌ای که توانایی جنگ شهری را در دستور کار خود دارند، ترتیب داده است. در جنگ غزه نمایان شد که هر قدر بمباران‌های هوایی به نیروی زمینی کمک کند؛ نیروی زمینی باید از واحدهای زُده‌ای برخوردار باشد که توانایی جنگ شهری را داشته باشند. بر این اساس، توسعه توانایی‌های نیروهای ارتش در جنگ شهری مطابق با راهبرد مونتوم در دستور کار این رژیم قرار دارد (Gross, 13 February 2020).

نتیجه‌گیری

سوریه از زمان اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها مناسبات پُر فراز و فرودی را با رژیم صهیونیستی پشت سر گذاشته است؛ از شراکت در سه جنگ اعراب علیه رژیم صهیونیستی در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ گرفته تا پیوستن به مذاکرات صلح مادرید که با طرح «زمین در برابر صلح» برگزار می‌شد.

با آغاز موج بیداری اسلامی در جهان اسلام، کشور سوریه نیز که از مشکلات مختلفی برخوردار بود، در سال ۲۰۱۱ دستخوش تحولاتی شد. اما پس از مدت کوتاهی مشخص شد که این تحولات، بیداری اسلامی نیست بلکه دسیسه‌ای می‌باشد که با کمک کشورهای مخالف محور مقاومت در سوریه شروع شده است. بدین ترتیب، رژیم صهیونیستی نیز که به دلایل گوناگون تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، نظامی - امنیتی و نظایر آن، اهداف و مقاصد مختلفی را در سوریه جستجو می‌نمود، راهبردهای نظامی و امنیتی خود را متناسب با تحولات سوریه مورد بازیابی و بازنگری قرار داده و به مورد اجرا گذاشت که این راهبردها را می‌توان در چهار مقطع زمانی مورد بررسی قرارداد:

الف) ارتش رژیم صهیونیستی، اولین سازمان صهیونیستی بود که در مورد تحولات سوریه اظهار نظر کرد. بر این اساس، به اعتقاد سران این ارتش از آنجاکه سوریه به لحاظ اجتماعی و سیاسی توانایی برقراری دموکراسی غربی را نداشت، ممکن بود در نتیجه این تحولات، حکومتی اسلامی - ولو سنی - در آن به قدرت برسد که منافع این رژیم را در بلندی‌های جولان به خطر

اندازد یا آنکه زمینه را برای نفوذ ایران مهیا نماید. این در حالی بود که سران سیاسی رژیم صهیونیستی در ظاهر، سیاست بی طرفانه‌ای را در پیش گرفته و سعی داشتند ضمن دنبال نمودن خواسته معترضان برای برکناری بشار اسد از قدرت، خود را در کنار ایشان نشان دهند. بدین ترتیب، شاهد نوعی چندگانگی در مواضع می‌باشیم که مانع کادر رهبری این رژیم از اتخاذ راهبردی واحد و نظام‌مند در قبال تحولات سوریه بود.

ب) از سال ۲۰۱۳، رژیم صهیونیستی تحت تأثیر عواملی همچون ۱- حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه؛ ۲- ذخایر مواد شیمیایی سوری‌ها؛ ۳- تحرکات نظامی نیروهای مقاومت ج.ا.ایران و حزب الله لبنان در بلندی‌های جولان؛ و ۴- ورود ارتش روسیه به بحران سوریه؛ سیاست نظامی خود را به‌ویژه در منطقه بلندی‌های جولان بر ترور فرماندهان مقاومت، کمک‌های تسلیحاتی، پزشکی و مالی به گروه‌های نظامی همسو، و بمباران هوایی مواضع ایران و حزب الله، استوار نمود. در عرصه امنیتی نیز، مقامات این رژیم کوشیدند تا از یک سو، با اقناع آمریکایی‌ها زمینه را برای حضور فعال‌تر و جدی‌تر آن‌ها در تحولات سوریه فراهم نمایند و از سوی دیگر، از طریق مذاکرات سیاسی با روسیه، حضور طولانی مدت ج.ا.ایران را در سوریه محدود و از ارسال سلاح توسط این کشور به حزب الله لبنان ممانعت به عمل آورند.

ج) در سال ۲۰۱۵، راهبردی جدیدی -گیدنون- توسط مقامات رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود. در این راهبرد، مهم‌ترین تغییرات مرتبط با بحران سوریه که صهیونیست‌ها با آن مواجهه‌اند، بدین شرح بیان می‌شود: اولین تغییر، جایگزین شدن کشورهای متخاصم همسایه با گروه‌های زیرزمینی می‌باشد که تحت حمایت کشورهای ج.ا.ایران و سوریه هستند؛ و دیگر، افزایش توان نظامی و عملیاتی گروه‌های مخالف رژیم صهیونیستی به‌ویژه در زمینه افزایش دقت موشک‌ها با کمک ایران. بدین ترتیب، آمادگی نیروهای رزمی رژیم صهیونیستی برای حضور در جنگ‌های نامتقارن، استفاده از سیستم پدافند هوایی چندلایه و ترکیبی، افزایش اشرافیت اطلاعاتی بر کشورها و گروه‌های متخاصم و تاکتیک «جنگ میان جنگ‌ها» باهدف خنثی‌سازی تهدیدهای در حال ظهور در دستور کار نظامی و امنیتی این رژیم قرار می‌گیرد.

د) قدرت‌فزاینده محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران و فعالیت‌های ایشان در بلندی‌های جولان، سبب تغییر در نگرش فرماندهان نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی شد. بدین ترتیب، در طرح جدید استراتژی نظامی و امنیتی این رژیم موسوم به مومتوم که از ژانویه سال

۲۰۲۰ میلادی اجرایی شد، دیگر ایران به عنوان تهدیدی دور برآورد نشده بلکه در جایگاه نزدیک می‌نشیند که می‌بایست از طریق اتخاذ راهبردی تهاجمی‌تر با آن مقابله کرد. از این رو، این رژیم ضمن بازنگری در تعریف مفهوم پیروزی از تصرف قلمرو به از بین بردن حداکثر قابلیت‌های دشمن در کمترین زمان و با کمترین هزینه و تلفات، در صدد بهبود توان واحد اطلاعات نظامی همانند چشم‌بینای صهیونیست‌ها در تشخیص تحرکات نظامی علیه آن، تجهیز نیروهای نظامی با تسلیحات بیشتر و باکیفیت بهتر، و تغییر در ساختار ارتش و تشکیل «فرماندهی امور ایران» در ارتش این کشور برآمده است.

در پایان، پیشنهاد می‌شود با توجه به عمق دشمنی رژیم صهیونیستی با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، بررسی‌های پژوهشی گسترده‌تری پیرامون راهبردهای این رژیم در دستور کار محققان و مؤلفان علاقه‌مند به انقلاب اسلامی قرار گیرد تا از این طریق، ضمن فراهم آوردن زمینه برای اشراف دست‌اندرکاران، بستر لازم برای مقابله با توطئه‌های صهیونیست‌ها به‌ویژه در منطقه غرب آسیا تأمین شود.



منابع

۱. احمدیان، قدرت؛ بهرامی، زهرا (۱۳۹۴). عملکرد آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۱، ۲۲۷-۱۹۹.
۲. امانلو، حسین (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه بیداری اسلامی، سال چهارم، شماره ۷، ۹-۳۶.
۳. برزگر، کیهان (۱۳۷۹). ارزیابی مواضع لیکود در روند مذاکرات صلح سوریه-اسرائیل، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴، ۶۰-۴۷.
۴. حکیم، حمید؛ غلامی، سعید (۱۳۹۹). بحران سوریه؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی)، فصلنامه بیداری اسلامی، سال نهم، شماره ۱۸، ۷-۴۱.
۵. حمیدی، سمیه؛ قاسمی، زینب (۱۴۰۰). واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه، فصلنامه بیداری اسلامی، سال دهم، شماره ۱، ۱۲۵-۱۴۸).
۶. رابینویچ، ایتمار (۱۳۹۵). تأثیرات تضعیف سوریه بر امنیت اسرائیل، (ترجمه منصور براتی)، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۶۳، ۹۴-۷۳.
۷. زیسر، عیال (۱۳۹۶). تهدیدات و فرصت‌های بحران سوریه برای اسرائیل، (ترجمه عسگر قهرمان‌پور)، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۶۵، ۲۰-۱.
۸. سیمبر، رضا؛ اسمعیلی، علی (۱۳۹۲). علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران و سوریه: از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۴، ۲۸-۷.
۹. عباسی، مجید؛ سیفیایی، رضا (۱۳۹۱). اصول سیاست خارجی رژیم اسرائیل: با تأکید بر دو عنصر هویت و مشروعیت، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴۶، ۷۸-۳۹.
۱۰. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). سوریه-اسرائیل؛ نزاع بر سر صلح، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۳، ۱-۲۸.
۱۱. مسعودی‌زاده، مسعود (۱۳۹۳). تأثیر تحولات سوریه بر روابط سوریه - اسرائیل، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۵۴، ۵۰-۲۷.
۱۲. معروف، عبد (۱۳۷۴). دولت فلسطین و شهرک‌های یهودی‌نشین، (ترجمه فرزاد

- ممدوحی)، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
۱۳. موسوی، سیدحسین (۱۳۸۸). مذاکرات سوریه و اسرائیل: مبانی، روند و پیچیدگی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۳، ۱۶۲-۱۱۹.
۱۴. میرزایی، رضا؛ اکبرنژاد، غلامرضا؛ عرب، محمد (۱۳۹۶). رابطه امنیت سوریه با امنیت ایران (تأثیر بحران سوریه بر امنیت ایران)، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳۹، ۱۷۸-۱۵۱.
15. Ahronheim, A (13 February 2020). IDF appoints general to lead new Iran Command as threat escalates, The Jerusalem Post, [Online]. Available: <https://www.jpost.com/israel-news/idf-appoints-general-to-head-up-new-iran-command-as-threat-escalates-617507>.
16. Bassiri Tabriz, A and Pantucci, R (August 2016). Understanding Iran's Role in the Syrian Conflict, Royal United Services Institute for Defence and Security Studies.
17. becker-jakob, u. (June 2019). Countering the Use of Chemical Weapons in Syria: Options for Supporting International Norms and Institutions, EU Non-Proliferation and Disarmament Consortium.
18. Bergman, R and Schepp M and Stark, H (31 July 2012). Fate of Syrian Chemical Weapons May Trigger War, spiegel international, [Online]. Available: <https://www.spiegel.de/international/world/israel-prepares-plans-to-neutralize-syrian-chemical-weapons-a-847203.html>.
19. Clarke C. P and Tabatabai, A. M (08 January 2019). Withdrawing From Syria Leaves a Vacuum That Iran Will Fill, [Online]. Available: <https://www.foreignaffairs.com/articles/syria/2019-01-08/withdrawing-syria-leaves-vacuum-iran-will-fill>.
20. Cordesman, A.H. (2008). Israel and Syria the Military Balance and Prospects of War, Washington D.C: Center for Strategic and International Studies.
21. Creveld, M. V (30 January 2008). Israel's War With Hezbollah Was

- Not a Failure, The Forward Association.
22. Dekel, U; Boms N and Winter, O (2016). Syria's New Map and New Actors: Challenges and Opportunities for Israel, The Institute for National Security Studies, Tel Aviv.
 23. Entous, Adam; Osnos, Evan (10 February 2020). Qassem Suleimani and How Nations Decide to Kill, New Yorker Magazine, [Online]. Available: <https://www.newyorker.com/magazine/2020/02/10/qassem-suleimani-and-how-nations-decide-to-kill>
 24. Eran, O (2011). The West Responds to the Arab Spring, Institute for National Security Studies, vol. 14, no. 02.
 25. Follath E and Stark, H (02 November 2009). How Israel Destroyed Syria's Al Kibar Nuclear Reactor, [Online]. Available: <https://www.spiegel.de/international/world/the-story-of-operation-orchard-how-israel-destroyed-syria-s-al-kibar-nuclear-reactor-a-658663.html>.
 26. Frantzman, S. J (18 February 2020). Israel rolls out new wartime plan to reform armed forces, Defense News, [Online]. Available: <https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/2020/02/18/israel-rolls-out-new-wartime-plan-to-reform-armed-forces/>.
 27. Ghosh, P (09 June 2011). Middle East on Brink of Full-Scale War: Israeli General, International Business Times, [Online]. Available: <https://www.ibtimes.com/middle-east-brink-full-scale-war-israeli-general-309846>.
 28. Gross, J. A (13 February 2020). The IDF's new plan: From 'Waze of War' to a general charged with countering Iran, The Times of Israel, [Online]. Available: <https://www.timesofisrael.com/from-waze-of-war-to-a-general-devoted-to-countering-iran-the-idfs-new-plan/>.
 29. Gross, J. A (2019). IDF unveils 'Momentum Plan' to make it deadlier and faster, if it can pay for it, The Times of Israel.
 30. Hankivsky, Olena; Jordan-Zachery, Julia S (2019). The Palgrave Handbook of Intersectionality in Public Policy, U.S.A: Springer.

31. Herzog, M (2015). New IDF Strategy Goes Public, The Washington Institute for Near East Policy.
32. Herzog, M (2019). Iran Across the border Israel's Pushback in Syria, The Washington Institute for Near East Policy.
33. Kubovich, Y (25 September 2018). Russia Warned Israel Before Downing of Plane: Attacking Syrian Targets Harms Moscow's Interests, Haaretz Newspaper, [Online]. Available: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/syria/.premium-russia-warned-israel-before-downing-of-plane-attacking-syrian-targets-harms-moscow-s-interests-1.6494420>.
34. IDF response to the Winograd Committee Report, (2008). Israel Ministry of Foreign Affairs, Jerusalem.
35. Lovelace Douglas C (2017). Terrorism Commentary on Security Documents Volume 145: North Korean Threat, U.S.A: Oxford University Press.
36. Levy, D. J (03 February 2019). Israel Just Admitted Arming anti-Assad Syrian Rebels. Big Mistake, Haaretz,. [Online]. Available: <https://www.haaretz.com/israel-news/.premium-israel-just-admitted-arming-anti-assad-syrian-rebels-big-mistake-1.6894850>.
37. Lappin, Yaakov (October 2018). The War Between Wars': Israel vs Iran in Syria, Fathom Journal, no. 21.
38. Lappin, Yaakov (27 December 2019). Israeli chief of staff's speech underlines sobering fact that it's fighting Iran alone, Jewish News Syndicate, [Online]. Available: <https://www.jns.org/israeli-chief-of-staffs-speech-underlines-the-sobering-fact-that-its-fighting-iran-alone/>
39. Lappin, Yaakov (22 March 2020). The IDF's Momentum Plan Aims to Create a New Type of War Machine, BESA Center Perspectives, Paper No. 1,497.
40. Nagel J and Schanzer, J (2019). From Ben-Gurion to Netanyahu: The

Evolution of Israel's National Security Strategy, Foundation for Defense of Democracies, Washington.

41. O'Connor, Tom (28 February 2020). Israel Reveals Plan to Attack Iran's Allies, But Iran Is Ready to Fight Back, [Online]. Available: <https://www.newsweek.com/iran-step-fight-iran-ready-respond-1489354>.
42. Pollack, Nadav (8 October 2015). Why Israel Should Be Worried About Russia's Role in Syria, War on the Rocks, [Online]. Available: <http://warontherocks.com/2015/10/why-israel-should-be-worried-about-russias-role-in-syria/>
43. Shoup, Kate (2019). The Israel-Palestine Border Conflict, U.S.A: Cavendish Square Publishing.
44. Sidlow, Edward I; Henschen, Beth (2018). GOVT: Principles of American Government, U.S.A: Cengage Learning.
45. Spyer, J (28 September 2017). Israel Is Going to War in Syria to Fight Iran, Foreign Policy, [Online]. Available: <https://foreignpolicy.com/2017/09/28/israel-is-going-to-war-in-syria-to-fight-iran/>.
46. Stuff, I (7 March 2020). military intelligence directorate, Israel Defense Forces, [Online]. Available: <https://www.idf.il/en/minisites/military-intelligence-directorate/>
47. Tsurkov, Elizabeth (14 February 2019). Israel's Deepening Involvement with Syria's Rebels, [Online]. Available: <https://warontherocks.com/2018/02/israels-deepening-involvement-syrias-rebels/>.
48. Williams, Dan (17 September 2013). Now Israel Says It Wants to Whack Syria's Assad, [Online]. Available: <http://www.businessinsider.com/israel-wants-to-topple-assad-regime-2013-9>.
49. Winograd Committee submits final report (2008). Israel Ministry of Foreign Affairs, Jerusalem.
50. Zanutti, J (09 March 2020). Israel: Background and U.S. Relations in Brief, Congressional Research Service.